

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان‌شناسی - آزفا

مقایسه‌ی کاربردهای گروه‌های اسمی در دو اثر داستانی  
سمک عیّار و سووشون

بوسیله‌ی

زهرا ایزدی

استاد راهنما

دکتر جلال رحیمیان

تیرماه ۱۳۸۸

به نام خدا

مقایسه‌ی کاربردهای گروه‌های اسمی در دو اثر داستانی  
سَمک عیّار و سووشون

توسط

زهرا ایزدی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی  
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی

زبان‌شناسی (آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان)

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه‌ی: عالی

دکتر جلال رحیمیان، دانشیار بخش زبان‌های خارجی و زبان شناسی (رئیس کمیته).....

دکتر زهرا ریاحی زمین، دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی.....

دکتر گلنار قلعه خانی، استادیار بخش زبان‌های خارجی و زبان شناسی.....

تیرماه ۱۳۸۸

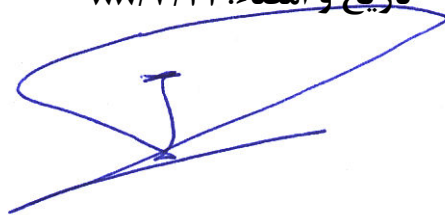
به نام خدا

## اظهار نامه

اینجانب زهرا ایزدی دانشجوی رشته ی زبانشناسی گرایش آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی اظهار می کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام. همچنین اظهار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: زهرا ایزدی

تاریخ و امضاء: ۸۸/۷/۲۱



تقدیم به :

روح مادرم که همه چیز زندگیم بود

و

همه می‌کسانی که در حفظ و اشاعه می‌فرهنگ و ادب فارسی تلاش می‌کنند.

## سپاسگزاری

سپاس بیکران یگانه‌ای را که دل پویایی حقیقت جو را به نور معرفت خویش بیافروخت. کمال سپاس و امتنان تقدیم به جناب آقای دکتر رحیمیان استاد راهنما که با سعه صدر و دقت نظر همواره روشنگر راهم بوده‌اند و در ساحت بلند اندیشه شان لذت نواندیشی را درک کردم.

سپاس فراوان تقدیم به حضور سرکار خانم ریاحی زمین استاد مشاور که با دقت و تیزبینی فوق العاده این حقیر را از فیض وجودشان بهره‌ها رساندند و مرا مدیون خود ساخته‌اند. تشکر و سپاس بی شائبه حضور سرکارخانم قلعه خانی که با درایت و مهربانی خود به من قوت قلب و اعتماد به نفس بخشیدند.

تشکر و سپاس تقدیم به جناب آقای حاجیانی که نمایندگی جلسه دفاع از این پایان نامه را متقبل شده‌اند.

صمیمانه ترین سپاس‌ها نثار خانواده‌ی خوبم از جمله خواهر عزیزم که در همه حال مشوق و یاری‌گر من بوده‌اند و در سایه سار عشق شان سبزترین رویاها را به نظاره نشسته‌ام.

در پایان از کلیه دوستان و عزیزانی که به هر نحو در کمک به اینجانب جهت به ثمر رسیدن این پایان نامه همراهی و همکاری داشته‌اند سپاس فراوان دارم.

## چکیده

### مقایسه‌ی کاربردهای گروه‌های اسمی در دو اثر داستانی سمک عیار و سووشون

#### به کوشش

#### زهرا ایزدی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات زبان شناختی بررسی نحوی زبان می‌باشد. از این میان گروه‌های اسمی در دستور همه‌ی زبان‌های دنیا در صدر اجزای کلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف تحقیق حاضر مقایسه‌ی کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری گروه‌های اسمی از نظر صوری و معنایی در دو متن داستانی سمک عیار، نماینده‌ی ادبیات قرن ۶ و سووشون نماینده‌ی ادبیات معاصر است. از آنجایی که همه‌ی زبان‌ها در طول دوره‌های مختلف دستخوش تغییر و تحول هستند. لذا آشنایی با این تحولات دستوری ضروری به نظر می‌رسد طبق داده‌های تحقیق در نهایت این نتایج حاصل شده‌است:

- ۱- وابسته‌های پیشین زبان فارسی دارای محدودیت‌های هم نشینی هستند و همنشینی این وابسته‌ها تابع نظم و ترتیب خاصی می‌باشد.
- ۲- وابسته‌های پسین همانند وابسته‌های پیشین محدودیت همنشینی ندارد؛ اما در ترتیب این وابسته‌ها محدودیت‌هایی وجود دارد.

بارزترین تفاوت‌ها در نثر ارجانی به شرح زیر است:

- ۳- بعضی از وابسته‌های پیشین (چند، چنان، چنین)، همراه با یای نکره و بدون یای نکره آمده‌است.
- ۴- هسته‌ی بعضی از وابسته‌های پیشین اشاره‌ای از نظر شمار ضرورتاً با هم مطابقت ندارد.
- ۵- وابسته‌ی پیشین «هیچ» در جملات مثبت و منفی کاربرد داشته‌است.
- ۶- کاربرد ممیزها و شاخص‌ها از نظر ساختاری در دو نثر یکسان، تنها تفاوت در نوع استفاده از واژه‌هاست که متناسب با عصر و دوره‌ی خود می‌باشد.
- ۷- بیشترین تفاوت در نقش نحوی «را» در دوره‌ی گذشته و معاصر است که در دوره‌ی گذشته از تنوع معنایی گسترده‌ای برخوردار بوده‌است؛ اما امروزه آن کاربردها منسوخ شده‌است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۳	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- هدف تحقیق
۴	۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	۴-۱- سوالات تحقیق
۶	۵-۱- این پژوهش مشتمل بر پنج فصل می باشد
۷	فصل دوم: پیشینه‌ی تحقیق
۷	۱-۲- مقدمه
۷	۲-۲- تاریخچه (الف)
۱۰	۱-۲-۲- وابسته‌های گروه اسمی (ب)
۱۵	۲-۲-۲- وابسته‌های پسین
۱۶	۱-۲-۲-۲- همپایه:
۱۷	۲-۲-۲-۲- غیرهمپایه (درونه‌ای):
۱۷	۳-۲-۲- وابسته‌های جدا:
۱۷	۴-۲-۲- وابسته‌های پسین دستوری:
۱۷	۱-۴-۲-۲- یای نکره:
۱۸	۲-۴-۲-۲- وابسته‌ی پسین دستوری ضمائر متصل:
۱۸	۳-۴-۲-۲- وابسته‌ی پسین شماره‌ی «۳» حرف نشانه‌ی «را»
۲۱	۵-۴-۲-۲- جایگاه پنجم گروه حرف اضافه‌ای و جمله وارہ
۲۵	فصل سوم: شیوه‌ی تحقیق
۲۵	۱-۳- مقدمه



۲۵	۲-۳- داده‌های تحقیق
۲۶	۳-۳- چهار چوب نظری تحقیق
۲۷	۳-۳-۱- سازه
۲۸	۳-۳-۲- ساخت
۲۹	۳-۳-۳- روابطی جانشینی و هم نشینی
۲۹	۳-۳-۴- هم نشینی
۳۰	۳-۳-۵- زنجیره‌های دستوری و غیر دستوری
۳۰	۳-۳-۶- تکرار عناصر وابسته در گروه اسمی به دو صورت امکانپذیر است
۳۱	۳-۴- شیوهی تحلیل داده ها
۳۳	فصل چهارم: تحلیل داده‌ها
۳۳	۴-۱- مقدمه
۳۳	۴-۲- وابسته‌های گروه اسمی
۳۳	۴-۲-۱- وابسته‌های پیشین
۳۶	۴-۲-۱-۱- دسته‌ی اول وابسته‌های پیشین A
۴۰	۴-۲-۱-۱-۲- دسته‌ی دوم وابسته‌های پیشین A
۵۱	۴-۲-۱-۲- وابسته‌های پیشین B
۵۵	۴-۲-۱-۳- وابسته‌های پیشین C
۵۵	۴-۲-۱-۳-۱- ریز طبقه‌ی اول C
۵۸	۴-۲-۱-۳-۲- وابسته‌های پیشین ریز طبقه‌ی دوم C
۵۹	۴-۲-۱-۴- وابسته‌ی پیشین دستوری «ی نکره»
۶۰	۴-۲-۱-۵- شاخص
۶۱	۴-۲-۲- وابسته‌های پسین
۶۲	۴-۲-۲-۱- اولین وابسته‌ی پسین اسم واره‌ها
۶۳	۴-۲-۲-۲- دومین وابسته‌ی پسین وابسته‌ی صفتی
۶۴	۴-۲-۲-۲-۱- همپایه:
۶۵	۴-۲-۲-۲-۲- جدا از هم
۶۷	۴-۲-۳- سومین وابسته‌ی پسین، گروه اسمی

۶۷	تکرار وابسته‌های پسین گروه اسمی همپایه.....
۶۹	وابسته‌های غیرهمپایه (درونه‌ای) گروه اسمی.....
۷۰	چهارمین وابسته‌ی پسین دستوری حرف نشانه‌ی «را».....
۷۵	وابسته‌های پسین گروه حرف اضافه‌ای.....
۷۶	تکرار همپایه‌ی وابسته‌ی پسین حرف اضافه‌ای و بند موصولی.....
۷۸	تکرار گروه‌های حرف اضافه‌ای به صورت غیر همپایه (درونه‌ای).....
۷۹	تکرار گروه حرف اضافه‌ای از هم جدا.....
۸۰	پنجمین وابسته‌ی پسین جمله واره.....
۸۱	تکرار غیر همپایه (درونه‌ای).....
<b>۸۲</b>	<b>فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری.....</b>
۸۲	۱-۵-مقدمه.....
۸۲	۲-۵-خلاصه‌ای از فصول گذشته.....
۸۴	۲-۵- نتیجه‌گیری و پاسخ به سوالات پژوهش.....
۸۷	۳-۵- پیشنهادها.....
<b>۸۹</b>	<b>منابع و مآخذ.....</b>
۹۲	پیوست‌ها : (جداول درون متن).....

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۱	جدول ۱-۲: وابسته های پیشرو وهسته‌ی گروه اسمی.....
۱۱	جدول ۲-۲: وابسته‌های پیرو و هسته‌ی گروه اسمی.....
۱۵	جدول ۳-۲: ترتیب جایگاه وابسته‌های پسین.....
۳۴	جدول ۱-۴: وابسته‌های پیشین یک گروه اسمی.....
۴۶	جدول ۲-۴: بسامد تکرار همین و همان در دو نثر.....
۷۲	جدول ۳-۴: بسامد کاربرد «را» در نثر دانشور.....
۷۲	جدول ۴-۴: بسامد کاربرد «را» در نثر ارجانی.....

## فهرست علائم اختصاری

گروه اسمی	گ ا
گروه صفتی	گ ص
گروه حرف اضافه ای	گ ح
غیر دستوری	*
بدون هسته‌ی گروه اسمی	∅
صفحه	ص

## فصل اول: کلیات

### ۱-۱ مقدمه

زبان چیست؟ قبل از هر چیز، یک تعریف از تعاریفی که در این مقوله ارائه شده است بیان می‌کنیم زبان دستگاهی است از علائم آوایی و قرار دادی که برای ارتباط بین افراد یک اجتماع به کار می‌رود. (باطنی، ۱۳۴۹: ۹۰)

موهبت زبان و اندیشه دو ویژگی بارز انسان است که او را از سایر جانداران متمایز می‌سازد. زبان عجیب‌ترین و پیچیده‌ترین پدیده‌های جهان هستی است. بعید است چیزی در هستی شگفت‌انگیزتر از زبان باشد. به همین خاطر ورود در این قلمرو، همیشه دل‌پذیر و شیرین است. تردیدی نیست که اصلی‌ترین نقش زبان ایجاد ارتباط میان افراد یک جامعه‌ی معین است. منظور از ارتباط در اینجا بیان کلیه‌ی تجارب و اندیشه‌ها و انتقال آنها به دیگران است.

انسان‌ها اندیشه‌های خود را با به کارگیری زبان منظم می‌کنند. به این معنی که اندیشیدن در شکل پیشرفته و پیچده‌ی خود تنها از راه زبان جریان می‌یابد و سپس، از همین راه به وسیله‌ی گفتار یا نوشتار مفاهیم و منظوره‌های خود را به یکدیگر انتقال می‌دهند.

بررسی نوشته‌های باقی مانده از دوره‌های پیشین هر زبان نشان می‌دهد که زبان ثابت نمی‌ماند بلکه در طول زمان تغییر می‌کند. همه‌ی زبان‌ها با گذشت زمان در روند تغییر و دگرگونی قرار دارند. حالت کنونی هر زبان محصول تحوّل گذشته‌ی آن است. گواه دیگر بر تغییر زبان وجود لهجه‌هاست. گوناگونی لهجه‌های هر زبان از جمله زبان فارسی تغییرات آن را به خوبی نشان می‌دهد. گروه‌های سخنگوی هر زبان بر اثر پراکندگی و دور ماندن از یکدیگر و نیز در نتیجه‌ی گذشت زمان تا حدودی از لحاظ ویژگی‌های زبانی با هم تفاوت پیدا می‌کنند. هر چند که تا زمان طولانی تفاوت‌های زبانی موجود، میان گروه‌های جغرافیایی همزمان جزئی است. (مشکوٰه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۲۳ و ۱۱)

توصیف یک زبان در برگیرنده‌ی سه بخش آوایی، دستوری و گنجینه‌ی واژگانی<sup>۱</sup> است. بخش اول توصیف کننده‌ی نظام آوایی: همخوان‌ها، واکه‌ها، تکیه، آهنگ و غیره است دستور از دو قسمت یعنی ساختواژه و نحو<sup>۲</sup> تشکیل می‌شود. ساخت واژه به بررسی ساخت واژه‌های زبان مربوط است در حالی که نحو به تبیین اصول حاکم بر ترکیب واژه‌ها در قالب جمله می‌پردازد. ویژگی‌های دستوری، معنایی و لفظی واژه‌ها و اصطلاحات زبان در گنجینه‌ی واژگان ظاهر می‌شود. (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۳)

در پژوهش حاضر توصیف بخش نحوی زبان فارسی از نظر صوری و معنایی مورد نظر است. از آن جایی که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات زبان شناختی بررسی نحوی زبان می‌باشد، تحقیقات نحوی نیز خود حجم گسترده‌ای از پژوهش‌های زبان شناختی را به خود اختصاص می‌دهد. مبسوط‌ترین مباحث نحوی در قلمرو مطالعات دستوری، بررسی عناصر ساختمانی جمله، از قبیل گروه‌های اسمی، گروه‌های فعلی، گروه‌های قیدی و گروه‌های حرف اضافه است. گروه‌های اسمی در دستور همه‌ی زبان‌های دنیا در صدر اجزای کلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر گروه اسمی به دلیل پذیرش نقش‌های نحوی متنوع از تکرار پذیرترین گروه‌ها در جمله است. بنابراین برای تحلیل نحوی آن لازم است آگاهی دقیق‌تری از این مقوله داشته باشیم. در مباحث سنتی دستور فارسی گاهی مرز میان مقولات گوناگون نحوی به صورتی روشن مورد عنایت لازم قرار نگرفته‌است به طوری که گاهی عنصری دستوری در طبقه‌ای قرار داده شده‌است که متعلق به آن نیست. برای نمونه در دستور خانلری (۱۳۷۷) گیوی و انوری (۱۳۷۰) عناصری چون امروز، فردا، اینجا و آنجا، قید تلقی شده‌اند. در حالی که این عناصر اصولاً در زمره‌ی گروه‌های اسمی قرار می‌گیرند. همچنین در شناسایی مقوله‌ی صفت هم ملاک صوری و معنایی دقیقی ارائه نشده‌است. یکی از عوامل این گونه ابهامات، تکیه‌ی بیش از حد مباحث سنتی به تعاریف ذهنی به جای تعاریف صوری است که از اصول علمی مبتنی بر زبان شناسی تبعیت نمی‌کند. با توجه به آنچه به اختصار ذکر شد، نگاهی دوباره به مقوله‌ی گروه اسمی در فارسی از دو جنبه صوری و معنایی ضروری به نظر می‌رسد. اکثر دستور نویسان سنتی در تعریف اسم آراء مشترکی با اختلافات جزئی دارند همگی ابتدا واژه‌های فارسی را به شش دسته‌ی اسم، صفت، قید، ضمیر، حرف و فعل تقسیم نموده‌اند سپس در تعریف اسم و ریز طبقات آن به مفاهیم تکراری پرداخته‌اند که اغلب ملاک تعیین کننده‌ای برای مرزبندی مشخص ندارد و بیشتر مفاهیم ذهنی را در بیان تعریف خود آورده‌اند اکنون دیدگاه چند تن از آن‌ها را به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

همایون فرخ (۱۳۷۷: ۳۹-۳۸) در تعریف اسم چنین می‌نویسد: «اسم واژه‌ای است گردیدنی (تغییر پذیر) که به تنهایی بی آن که زمان را در آن دستی و کاری باشد به اندیشه راهنمایی

1 -Phonology- lexicon and grammar

2 -Morphology and Syntax

می‌کند خواه آن اندیشه از چیزهای دیدنی، بسودنی باشد مانند آب، درخت، روشنایی، گرمی، زبری یا چیزهای نادیدنی و نابسودنی که تنها فرد آدمی آن را در می‌یابد مانند ترس، امید، پشیمانی، روان ...»

نوع زبان این کتاب دستور به خاطر عصر و سبک مؤلف چندان روان نیست. از نظر وی مفاهیم ملموس و غیر ملموس دیدنی که بتواند نشانه‌های صرفی را به خود بپذیرد «اسم» است. نشانه‌های صرفی مورد نظر را ذکر نکرده‌اند این تعریف هم بیشتر بر اساس تصورات ذهنی نویسنده و فاقد یک ملاک اساسی و صوری مشخص است.

شریعت (۱۳۶۴:۱۷۸-۱۷۷) در تعریف اسم این گونه آورده است: «اسم کلمه‌ای است که می‌تواند مسندالیه (نهاد) واقع شود؛ اما از نظر معنی، اسم، نام انسان یا حیوان یا نبات یا جماد یا کار یا یکی از پدیده‌های طبیعی یا مفهوم‌های مجرد است. مانند مریم، اسب، درخت، سنگ، رفتن، باران، دانش و...» ایشان در قسمت اول تعریف، فقط نقش «نهاد» که اسم می‌تواند در جمله بپذیرد متذکر شده است. این اشاره، خود، ناقص است چون اسم با توجه به بافت می‌تواند نقش‌های دیگری نیز بپذیرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

(۱) هوا روشن است.

(۲) گرد و خاک هوا را تیره کرد.

در مثال (۱) «هوا» در نقش نهاد آمده است. در حالی که در مثال (۲) «هوا» در نقش مفعول است.

ایراد دوم این تعریف این است که وی ویژگی‌های طبقات واژگان را بر اساس تصوّر معنایی بیان می‌کند که خود تعریفی ذهنی از اسم محسوب می‌شود. بسیاری از واژه‌های دیگر مانند غم، شادی، امروز، فردا وجود دارد که مصداق این تعریف نیست و ریز طبقه‌هایی که شریعت برای اسم عنوان نموده است بدین قرار است: اسم عام/ خاص - جامد/ مشتق - ذات/ معنی - ساده/ مرکب - مفرد/ جمع - معرفه/ نکره که مطالب آن با اغلب دستوره‌های سنتی مشترک است.

خانلری (۱۳۷۰:۴۷) در تعریف اسم این گونه آورده است: «اسم کلمه‌ای است که برای نام بردن کسی یا چیزی به کار می‌رود. چیزی که به وسیله‌ی اسم نام برده می‌شود: شخص - حیوان - مکان - رستنیها - نام ستارگان - نام زمان - چیزها - حالت‌ها و... وی همچنین ریز طبقات اسم را به عام/ خاص - ذات/ معنی - مفرد/ جمع - تقسیم کرده است.»

خانلری هم از دیدگاه مشترک بقیه‌ی دستورنویسان سنتی، دور نمانده است. ایشان هم تعریفی علمی و تازه ارائه نداده و معیار صوری و مشخص را جهت تشخیص این مقوله ذکر نکرده است. یکی از نکات قابل توجه در این باب آن است که دستوره‌های سنتی مقوله‌ای به نام گروه اسمی را مد نظر

قرار نداده‌اند و در اغلب موارد هر گاه سخن از اسم به میان می‌آورند معادل چیزی است که امروزه زبان شناسان به آن گروه اسمی اطلاق می‌کنند.

## ۱-۲- هدف تحقیق

عناصر ساختمانی مقوله‌های نحوی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل نحوی است که امروزه در زبانهای مختلف دنیا مورد بررسی قرار گرفته‌است. هدف تحقیق حاضر آن است که پس از نگاهی دوباره به تحقیقات صاحب نظران در زمینه‌ی اسم و گروه اسمی و ارائه‌ی تعریفی صوری از آن به مقایسه و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری گروه اسمی در دو متن داستانی بپردازد. هدف از انتخاب نثر داستانی سمک عیار (به کوشش ارجانی) به عنوان نماینده‌ی ادبیات قدیم قرن ششم و سووشون (دانشور) به عنوان نماینده‌ی ادبیات معاصر به این دلیل است که طبق بررسی اولیّه‌ی انجام شده در نثرهای داستانی قدیم و نو اینگونه به نظر رسید که تفاوت جایگاه وابسته‌های اسمی نسبت به هسته اسمی در این دو داستان چشمگیرتر از بقیه بوده‌است و از طرف دیگر از لحاظ دستوری پژوهش چشمگیری در نثرهای معاصر و قدیم از جمله سمک عیار نشده‌است مقایسه و بررسی این دو اثر خود می‌تواند نقطه‌ی عطفی در مطالعات گروه اسمی، در دستور زبان باشد.

## ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

همان گونه که قبلاً ذکر شد گروه‌های اسمی از مهمترین موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه زبان‌شناسان و محققان زیادی قرار گرفته‌است و نظریات گوناگونی در این مقوله بیان نموده‌اند. با این وجود هنوز هم نکات مبهمی در تشخیص صحیح آن به وضوح دیده می‌شود. ضرورت انجام این پژوهش، بیان مشکلاتی است که دانش آموزان و دانشجویان به جهت عدم شناخت در تشخیص گروه اسمی با آن مواجه می‌شوند. این تحقیق می‌تواند در حلّ برخی از مشکلات آموزشی زبان فارسی در آموزش و پرورش راه‌گشا باشد، علاوه بر آن در امر تدوین کتب آموزشی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و در تجزیه و تحلیل گفتمان، تسلط به شیوه‌های تشخیص مقوله‌های نحوی مؤثر باشد. همچنین در حوزه‌ی ترجمه‌ی ماشینی، هوش مصنوعی، گروه اسمی اصلی‌ترین و مهمترین سازه در تحلیل رایانه‌ای زبان فارسی است به همین



دلیل در خور اهمیت است. از آنجایی که زبان در طول دوره‌ها به طور ناخودآگاه در حال تغییر و تحول است، این تحولات در روند ساختار و مقوله‌های زبانی امری اجتناب ناپذیر است. تحول و دگرگونی زبان همواره در سه بخش آوایی، صرف و نحو و واژگان در طول زمان صورت می‌گیرد. یکی از دلایل عمده در واژگان زبان تغییراتی است که در اجتماع پیش می‌آید. این تغییرات اغلب در طول زندگانی یک نسل محسوس و قابل مشاهده است در حالی که تغییرات آوایی و دستوری، آهنگ کندتری دارد و به سادگی نمی‌تواند مورد مشاهده‌ی گویشوران زبان در محدوده‌ی یک نسل قرارگیرد. این تحولات پس از گذشت چند قرن محسوس می‌گردد. از آنجایی که زبان تنها ابزار ارتباط ما با فرهنگ دیرین است برای درک بهتر متون گذشته آشنایی با تحولات دستوری ضروری بنظر می‌رسد. بنابراین با مقایسه و توصیف صورت‌های مختلف زبانی، می‌توان به سیر تغییر و تحول گروه‌های اسمی در زبان فارسی پی‌برد.

#### ۱-۴-سوالات تحقیق

- رسیدن به اهداف این تحقیق منوط به پاسخ مناسب به پرسش‌های زیر است:
- ۱- کاربرد وابسته‌های پیشین و پسین اسم در دو اثر مذکور از لحاظ ملاحظات تاریخی چگونه است؟
  - ۲- آیا در توصیفات داستانی برای بیان بهتر مطلب، نیاز به آوردن گروه‌های اسمی طولانی است؟
  - ۳- ملاک‌های تشخیص صحیح اسم و گروه اسمی در دستوره‌های امروز و دستوره‌های سنتی بر چه اصولی استوار است؟

#### ۱-۵- این پژوهش مشتمل بر پنج فصل می باشد

فصل اول شامل مقدمه، هدف تحقیق، اهمیت تحقیق و اجزای رساله است.

فصل دوم: مروری بر پیشینه‌ی تحقیق، دست‌یابی به یک الگوی متعادل بر اساس جدیدترین نظریات زبان‌شناسان داخلی و خارجی در تشخیص اسم و گروه‌های اسمی و وابسته‌های آن به این فصل اختصاص خواهد داشت.

فصل سوم: شیوه‌ی تحقیق و چهارچوب نظری حاکم بر آن، چگونگی جمع‌آوری داده‌های تحقیق و سازماندهی آنها و شیوه‌ی ارائه‌ی مطالب در گفتار سوم بحث خواهد شد.

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل کلی داده‌ها و کاربرد آنها با توجه به نظرات ذکر شده در پیشینه‌ی تحقیق در گفتار چهارم تحقق خواهد یافت.

فصل پنجم: نتیجه‌گیری خلاصه‌ی مطالب فصل‌های قبل و ارائه‌ی پیشنهادات برای انجام پژوهش بیشتر در مورد گروه‌های اسمی در گفتار پایانی انجام خواهد شد.

## فصل دوم: پیشینه‌ی تحقیق

### ۱-۲- مقدمه

بررسی‌های انجام شده در کتاب‌های دستور زبان فارسی، مقالات و مجلات زبان شناسی و دیگر منابع اینترنتی مربوط به گروه‌های اسمی زبان فارسی به غنای تحقیقات در این زمینه افزوده است. به همین خاطر این قسمت از تحقیق به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) تاریخچه که ابتدا با دیدی اجمالی به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود سپس در قسمت (ب) بر اساس نظریات دستور نویسان و زبان شناسان به صورت مفصل‌تر به وابسته‌های گروه اسمی پرداخته می‌شود:

### ۲-۲- تاریخچه (الف)

حسنیان (۱۳۶۸) ساختمان عبارت اسمی را بر مبنای نظریه‌ی ایکس تیره<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار داده است. نظریه‌ی ایکس تیره اولین بار به صورت مشروح توسط جکنداف<sup>۲</sup> در کتاب نحو ایکس-تیره: «مطالعه‌ی ساختمان سازه‌ای<sup>۳</sup>» (۱۹۷۷) در توصیف زبان انگلیسی به مرحله‌ی عمل درآمده است. جکنداف در تحلیل خود با استفاده از یک اصل همگانی زبان ادعا نمود که مقوله‌های مهین دستوری زبان انگلیسی (مثل گروه اسمی، گروه فعلی و غیره) هر یک از سه سطح با سه «ژرفای» مختلف و منظم تشکیل شده است و هر «ژرفا» دارای ویژگی دستوری خاص و توصیف کننده‌های مشخص است. طبق تحلیل حسنیان گروه اسمی زبان فارسی بر پایه نظریه‌ی ایکس - تیره از سه

---

1-x-bar Theory.

2-Jackendoff. Ray

3-Constituent structure

ژرفای مختلف و منظم تشکیل شده است که هر ژرفا دارای وابسته‌های پیشرو و پیرو مخصوصی است.

سمیعان (۱۹۸۳) نیز علاوه بر ساختمان عبارات وصفی و حرف اضافه‌ای، ساختمان عبارت اسمی زبان فارسی را بر اساس نظریه‌ی ایکس تیره تحلیل کرده و به نتایج متفاوتی با آنچه در رساله‌ی حسینیان آمده، رسیده است. سمیعان اولین مطالعه‌ی کامل را در چارچوب ایکس- تیره در مورد ساخت اضافه ارائه کرده است. او دو نوع محدودیت را بر ساخت اضافه در گروه اسمی قائل است: یکی محدودیت بر ترتیب سازه‌ها در درون قلمرو اضافه که سازه‌ها در این قلمرو باید به ترتیب زیر بیاید: اسم هسته + اسم اسنادی + صفت + توصیف‌گر + حرف اضافه + گروه اضافی. دومین محدودیت گسترش وابسته‌ها در قلمرو ساخت اضافه است.

دبیر (۱۳۷۰) به بررسی ساختمان عبارت اسمی زبان ترکی آذربایجانی با زبان فارسی بر اساس نظریه‌ی ایکس تیره پرداخته است. ایشان به تعیین قواعد حاکم بر ساختمان عبارت اسمی زبان ترکی آذربایجانی بر اساس نظریه‌ی ایکس تیره و فرضیه‌ی سه ژرفای جکنداف<sup>۱</sup> پرداخته و آن را مورد تأیید قرار داده است و تشابهات و اختلافات ساختمان مقوله‌ی عبارت اسمی را در زبان‌های ترکی آذربایجانی و فارسی بر اساس آن قواعد مورد مطالعه قرار داده است و نتیجه می‌گیرد که به علت تعلق فارسی و ترکی آذربایجانی به دو خانواده‌ی زبانی متفاوت، اختلافات ساختمانی مهمی بین آنها وجود دارد و اطلاع از آنها می‌تواند در آموزش زبان فارسی به ترک زبانان مفید واقع شود.

خرمایی (۱۳۷۳) پژوهشی تحت عنوان « نکاتی در باره‌ی ساخت‌های موصولی<sup>۲</sup> در زبان فارسی» بر پایه‌ی رده شناسی<sup>۳</sup> کارکرد شناختی انجام داده است که چارچوب نظری پژوهش ایشان بر پایه رده شناسی، کارکرد شناختی است. در این نظریه نقش ارتباطی زبان مبنی بر مسائل معناشناختی، کاربردشناسی،<sup>۴</sup> پردازش اطلاعات، و مسائل شناختی است وی در این پژوهش به چهار مبحث نظیر پسوند «/i ی» که به هسته‌ی ساخت‌های موصولی می‌چسبد، دسترسی به جایگاه موصولی سازی، نشانه‌گذاری جایگاه گروه اسمی هم مرجع با هسته و حضور «را» در کنار هسته‌ی ساخت‌های موصولی پرداخته است.

خرمایی (۱۳۸۰) در رساله‌ی دکتری خویش تحت عنوان «رویکرد نحوی کلامی به مبتدا سازی گروه‌های اسمی در زبان فارسی» پژوهشی بر اساس «نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی»<sup>۵</sup>

1 -jackendoff.ray

2 -Relative construction

3 -Typological

4 -Semantis,pragmatism

5 -Lectures of Government and Binding Theory